

## صادق زیباکلام: افراط گرایان

### میانجی گری را نمی پذیرند

یسنا جهانیان

▼ دکتر صادق زیباکلام علیرغم ارادتی که به آیت الله مهدوی کنی دارد، میانجی گری این روحانی که سنسال بین جناح های سیاسی کشور را عامل حل و فصل اختلافات سیاسی برآمده از انتخابات ریاست جمهوری در میان آنها نمی داند. از نظر زیباکلام جناح سیاسی پیروز در انتخابات، در حال حاضر در شرایطی به سر می برد که اساساً نیازی نمی بیند که برای رفع اختلافاتش با رقیب شکست خورده، تن به میانجی گری و حکمیت شیوخ سالخورده و راجل سیاسی برجسته کشور بدهد. با این حال زیباکلام خود توصیه هایی به نیروهای سیاسی کشور برای خروج جامعه ایران از بحران سیاسی پس از انتخابات دارد. او در این گفتگو به این موضوع نیز می پردازد.

**اخیراً آقای مطهری پیشنهاد داده اند که آیت الله مهدوی کنی به میانجی گری جهت فرونشستن آتش اختلافات اخیر بپردازند. به نظر شما این پیشنهاد قابل تحقق است؟**

ببینید اساساً شیخوخیت و میانجی گری و کدخدانمشی و حکمیت همواره بین دو طرف دعوایی است که خودشان نمی توانند به توافق برسند. یعنی آنها می آیند یک یا چند فرد ثالث را به عنوان حکم انتخاب می کنند تا آنها در این میان داوری کنند. حکم حکم هم برای طرفین متاع و قابل قبول است. اما الان در جامعه ما چنین وضعی حاکم نیست. یعنی جناح پیروز در انتخابات ۲۲ خرداد اساساً جریان و جناح دیگری به غیر از خودش را به رسمیت نمی شناسد. این جناح می گوید انتخاباتی برگزار شده است و ما در این انتخابات پیروز شده ایم و هیچ مشکل و بحرانی هم در کار نیست. پس چرا ما به حکمیت و شیخوخیت تن بدهیم؟ چرا آیت الله مهدوی کنی یا علی لاریجانی بیایند و حکمیت کنند؟ دعوایی وجود ندارد. ما در این انتخابات پیروزی قطعی و کامل بدست آورده ایم. رقیب ما هم در این انتخابات شکست خورد ولی شکست را قبول نکرد و به مردم گفت که در انتخابات تقلب شده است و کار را از مسیر قانونی خارج کرد و پس از آن هم مردم را به شورش دعوت کرد. این جناح می گوید طبق قانون، انتخابات را وزارت کشور برگزار می کند و شورای نگهبان هم بر آن نظارت می کند. اگر شورای نگهبان انتخابات را تایید کند، دیگر مشکلی باقی نمی ماند. این جناح در آغاز چنین گفت اما پس از آن ادعایش را هم بیشتر کرد و گفت که رقیب من اساساً به دنبال انقلاب مخملی و براندازی نظام بود و این حرف هم حرف ما نیست بلکه خود آنها الان این حرفها را در تلویزیون می گویند. خود آنها به این امر اعتراف کرده اند که به بهانه تقلب در انتخابات به دنبال شورش و براندازی بودند. بنابراین از نگاه جناح پیروز انتخابات ۲۲ خرداد اساساً دعوا و بحرانی وجود ندارد که آقای مهدوی کنی یا علی لاریجانی یا هاشمی شاهرودی بخواهد برای حل این بحران وساطت و میانجی گری کند. این جناح نه

تنها الان این حرف را می زند بلکه در اوایل تابستان هم که بحران در نقطه اوج بود و مساله عبور از بحران و آشتی و وفای ملی توسط هاشمی رفسنجانی در خطبه های نماز جمعه مطرح شد، وجود بحران را انکار کرد. آقای هاشمی خیلی پیشتر از علی مطهری پیشنهاد داد که بحران بوجود آمده از طریق آزاد کردن زندانیان و پاره ای اقدامات دیگر، حل و فصل شود.

**مطابق توضیحات شما، پذیرش میانجی گری آیت الله مهدوی کنی در واقع در حکم پذیرش بحران و تداوم شرایطی است که از نظر جناح پیروز در انتخابات، شرایط نامطلوب محسوب می شود.**

دقیقاً همین طور است. ببینید جناح راست افراطی الان می گوید امسال فقط سه تن از وزرای ما در مجلس رای نیاوردند اما چهار سال پیش وزرای بیشتری در مجلس رای نیاوردند. این جناح می گوید کابینه رای اعتماد سنگینی را در مجلس آورده و دولت جدید هم کار خودش را با برنامه مشخص شروع کرده است و ما دیگر باید به مسائل بین المللی بپردازیم. شما به بسته پیشنهادی ارسال شده از سوی دولت برای کشورهای ۵ + ۱ نگاه کنید. در این بسته از حل و فصل مسائل جهانی، اصلاح ساختار سازمان ملل، صلح بین المللی و مساله پناهندگان جهانی سخن به میان آمده است. حالا شما می خواهید به این جناح بگویید که تو در کشور خودت مشکل داری؟ او که چنین چیزی را نمی پذیرد. این جناح مشکل را در سطح بین المللی می بیند و می گوید ما به حول و قوه الهی می خواهیم مشکلات بین المللی را حل کنیم. سران این جناح بر خلاف آقای لاریجانی و باهنر و مطهری و تهرانی، هیچ مشکلی در کشور نمی بینند. تنها مشکلی که به نظر آنها وجود دارد، این است که چرا آقای موسوی و کروبی و خاتمی دستگیر نشده اند.

**به نظر شما سران جنبش سبز در شرایط فعلی تمایلی به پذیرش پیشنهاد علی مطهری دارند؟**

بله، آنها قطعاً این پیشنهاد را می پذیرند زیرا آنها معتقدند که جامعه ما در حال حاضر مشکل دارد و با بحران مواجه است.

**شما اساساً راهکار حکمیت و میانجی گری را راهکار مفیدی می دانید؟**

بله، اما مقصود من این نیست که مشکلات عمیق تر سیاسی - اجتماعی ریشه در مسائل بنیادین جامعه دارد و با ریش سفیدی و نصیحت حل و فصل نمی شود. مساله شکاف طبقاتی با شیخوخیت و کدخدانمشی حل نمی شود. آن چیزی که با شیخوخیت قابل حل و فصل است، بحران و قهری است که در جامعه ما بوجود آمده است. به نظر من این بحران با شیخوخیت قابل حل و فصل است. اول این بحران باید فروکش کند تا پس از آن برنامه های بلندمدت ریخته شود تا مشکلات جامعه حل شود. اگر جناح راست افراطی به این باور رسیده باشد که دیگر مشکلی وجود ندارد، ما در آینده با بحرانهای عظیم تری مواجه خواهیم شد. چه کسی فکر می کرد که در ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ سه میلیون نفر در خیابانهای تهران راه پیمایی کنند؟ آیا دو ماه پیش از آن، ما چنین فکری می کردیم؟ این امور در حقیقت نشان دهنده معضلات عمیق اجتماعی - سیاسی جامعه ما است. اگر ما ششماهت دیدن این مشکلات را نداشته باشیم، گاه گاه این مشکلات مثل آتش زیر خاکستر سر بر می آورند.

**اخیراً آقای مهدوی کنی به مهندس موسوی توصیه کردند که امام حسن وار از در صلح در آیند تا نظام حفظ شود. شما با این توصیه موافقت می کنید؟**

من معتقدم که فرمایش ایشان درست است اما اگر فقط مهندس موسوی گذشت کند، طرف مقابل این موضع گیری را به حساب پیروزی خودش می گذارد. آن جناح این کار را به حساب بزرگواری مهندس موسوی نمی گذارد بلکه به حساب بی استدلال بودن ایشان در این دعوا می گذارد. ممکن است بگوییم مهم نیست جناح راست افراطی چه فکری می کند. بگذار آنها بگویند که مهندس موسوی ترسید و جازد. چه اشکالی دارد؟ ببینید مشکل عظیم تر از این حرفهاست زیرا وقتی طرف مقابل خودش را بیش از پیش پیروز احساس کند، به همین روش غلط خودش ادامه می دهد. علاوه بر این بسیاری از رای دهندگان به موسوی، بخصوص اقشار و لایه های جوانتر این جمعیت، مثل من ۶۰ ساله نمی گویند که مهندس موسوی برای حفظ مصالح نظام کوتاه آمد. آنها جور دیگری به مساله نگاه می کنند. یعنی می گویند مهندس موسوی جازد و مصالحه کرد و پس از آن به سراغ روشهای رادیکال تر می روند.

**منظور شما این است که عقب اجتماعی کروبی و موسوی هم باید مصالحه را بپذیرند؟**

نه، منظورم این است که جناح مقابل هم باید مواضعش را تعدیل کند. دیگر اینکه، ممکن است آقای مهدوی کنی به مهندس موسوی بگوید جناح افراطی آن قدر از پیروزی خودش سرمست است که حاضر نیست مواضع خودش را تعدیل کند؛ بنابراین اگر شما هم تغییر موضع ندهید، این بحران همچنان باقی خواهد ماند. اتفاقاً این حرف درست است زیرا تا همین جا هم بیشترین هزینه را در این ماجرا نظام پرداخته است. یعنی آبروی نظام لطمه دیده است. شما جامعه را نگاه کنید. می بینید که روزه خواری چقدر شایع شده است. برخی از افراد از قصد روزه خواری می کنند. یعنی تظاهر به روزه خواری می کنند. در حالی که این افراد پارسال اگر هم روزه نمی گرفتند، لاقال روزه خواری هم نمی کردند. یعنی اصراری به نشان دادن روزه نبودن خودشان نداشتند. اینها هزینه هایی است که نظام دارد می پردازد. بنابراین اگر قرار است موسوی و کروبی و خاتمی بیایند گام آشتی جویانه بردارند و جناح مقابل هم همچنان مغرورانه به مشی پیشین خودش ادامه دهد، ممانعت از رادیکالیته شدن جامعه در گرو این است که بزرگان اصلاح طلب این نکته را به عقبه اجتماعی جریان اصلاحات تفهیم کنند که آشتی جویی مهندس موسوی مبتنی بر چه دلایلی است.

**ظاهراً راست رادیکال خواهان تداوم تنش در جامعه است و به همین دلیل بر طبل دستگیری موسوی و کروبی می کوبد. به نظر شما پروژه تنش آفرینی در داخل تا کجا قرار است ادامه یابد؟**

این پروژه قرار است به جایی برسد که اساساً هیچ کسی نتواند بگوید بالای چشم راست رادیکال ابرویی هم پیدا می شود. یعنی همان حالتی که در کشورهای بلوک شرق سابق وجود داشت. یعنی اینکه حق همواره به جانب حکومت است و کسی هم نباید از حکومت کوچکترین انتقادی بکند. در این شرایط حداکثر راجع به ترافیک و آلودگی هوا و یا پوسیدگی لوله های آب تهران می توان انتقاد کرد اما در باب مسائل مهم سیاست داخلی و خارجی نمی توان انتقاد کرد. ▲